

نگرش جنسیتی و اثرات آن بر میزان سواد (مطالعه موردی: شهر خاش)

لیلا جلال آبادی*

لیلی اویسی^۲

چکیده

هدف: هدف از این پژوهش بررسی برخی از عوامل اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی موثر بر نابرابری جنسیتی - آموزشی در شهر خاش بود.

روش: این تحقیق از نظر روش شناسی جز تحقیقات پیمایشی بود و به روش میدانی و اسنادی انجام شد. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی والدین دارای فرزندان دختر و پسر بودند که از میان آنها ۸۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. در قسمت آمار توصیفی از آزمون های میانگین، درصد، فراوانی، و در قسمت آمار استنباطی از آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی و تحلیل اطلاعات استفاده شد.

یافته ها: نتایج بدست آمده از پژوهش حاکی از آن است: ۱- میانگین و انحراف معیار ایدئولوژی برابر با ۶/۴۱ و ۱/۹۵ می باشد. لذا تفاوت میانگین ایدئولوژی در نابرابری جنسیتی به لحاظ آماری معنی دار است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که عوامل فرهنگی، ایدئولوژی و ازدواج در سنین پایین دختران، عامل موثری در نابرابری جنسیتی - آموزشی شهر خاش است. ۲- میانگین و انحراف معیار سواد مادر برابر با ۱/۷۷ و ۰/۹۶ می باشد و در نتیجه میزان تحصیلات مادر عامل مهمی در ادامه تحصیل دختران محسوب می شود.

نتیجه گیری: عوامل اقتصادی مانند درآمد با نابرابری جنسیتی - آموزشی رابطه مستقیمی دارند و جامعه پذیری جنسیتی از جانب والدین و تفکرات سنتی خانواده مبتنی بر بی فایده دانستن تحصیل دختران، نابرابری آموزشی را در منطقه مورد نظر به وجود خواهد آورد.

واژگان کلیدی: نابرابری جنسیتی - آموزشی، نظریات فیمینیستی، ایدئولوژی، شهر خاش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - مدرس مجتمع آموزش عالی بم و دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه پیام نور مرکز تهران (نویسنده مسئول) Email:

Leili_jalalabadi@yahoo.com

۲ - دبیر آموزش و پرورش خاش و کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد واحد زاهدان. E-mail:leilioveisi@yahoo.com

مقدمه

نابرابری و در پی آن لایه بندی یکی از همه گیرترین و کهن ترین پدیده های است که جامعه بشری همواره با آن روبرو شده است تفاوت بین اعضای یک جامعه پهنه ای بسیار گسترده دارد که از ویژگی های طبیعی آغاز می شود و به ویژگی های اقتصادی - اجتماعی پایان می یابد اگر در جامعه های ویژگی های طبیعی افراد بر پایه ملاکهای فرهنگی - اجتماعی ارزیابی شود و بر این اساس برخی ویژگی های ارزشمند و بقیه بی ارزش تلقی گردد یا حتی اگر برخورداری از برخی ویژگی های طبیعی به دستیابی به موقعیت های مطلوب منزلت قدرت منجر شود تفاوت طبیعی به نابرابری اجتماعی تبدیل می شود. یکی از ویژگی های افراد جنسیت آنهاست که در بیشتر جوامع بر پایه معیار فرهنگی - اجتماعی ارزیابی می شود. در این بستر فکری معمولاً زنان کم ارزش تر از مردان پنداشته می شوند و موقعیت های فرودست منزلت قدرت را بدست می آورند در سالهای اخیر جنسیت در کنار قومیت به یکی از پایه های اساسی نابرابری اجتماعی تبدیل شده است. شکل های گوناگونی از نابرابری جنسیتی در سطح جهان دیده می شود که یکی از انواع مهم آن نابرابری آموزشی در بین دو جنس مختلف است بدین ترتیب که موانع مختلف بر سر راه تحصیل دختران به خصوص در کشورهای جهان سوم وجود دارد که مانع پیشرفت تحصیلی آنان و در نتیجه عدالت اجتماعی و برابری زن و مرد شده است. براساس آمارهای ارائه شده دو سوم از یک میلیارد جمعیت بزرگسال بی سواد و محروم دنیا را زنان تشکیل می دهند. لذا برای رسیدن به توسعه پایدار و تسریع فرایند توسعه تحقق عدالت اجتماعی لازم است در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری ها زنان را به عنوان نیروی فعال و سازنده مورد توجه قرار دهند و زمینه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مناسب را فراهم نموده تا زنان نیز بتوانند از فرصت‌ها و امکانات آموزشی و ... استفاده کنند.

در کشور ایران و بالاخص استان سیستان و بلوچستان نیز بدلائل بافت فرهنگی و قومیتی و سایر دلایل از دیرباز نابرابری جنسیتی در زمینه های مختلف وجود داشته است چنانکه زنان در طول تاریخ از مسیر رشد و رسیدن به برابری جنسیتی بازمانده اند که یکی از اشکال نابرابری جنسیتی، وضعیت آموزشی زنان بوده است زنان در مقایسه با مردان همواره از سطح آموزشی پایین تری برخوردار بوده اند که این نابرابری ناشی از سه عامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جوامع سنتی می باشد. در سالهای اخیر هر چند تلاشهای زیادی از سوی سازمانها، ارگانها و موسسات مختلف اجتماعی و فرهنگی برای کم کردن این نابرابری ها و رسیدن به عدالت اجتماعی زنان و مردان شده است ولی در برخی مناطق از جمله شهرستان خاش که در زمینه های فرهنگی دارای بافت سنتی تر هستند این بی عدالتی ها بیشتر مشهود است در اینگونه جوامع زنان با موانع مختلف و نابرابری گوناگونی روبرو هستند و طعم تلخ اینگونه بی عدالتی ها را بیشتر می چشند در حقیقت قربانیان اصلی چه از لحاظ روانی و چه از لحاظ برخورداری از امکانات آموزشی و ... به شمار می آیند زیرا در جامعه ای که ایدئولوژی مرد سالاری بر آن حاکم است زنان از شرایط اشتغال، درآمد، تحصیل و ... به مراتب از مردان پایین تر بوده اند تنها از طریق مشارکت هر چه بیشتر آنان در عرصه های مختلف اجتماعی و حضور موثر آنان در جامعه است که امکان فرایند توسعه در جهت تامین عدالت اجتماعی و اقتصادی به وجود می آید. با توجه به عوامل مطرح شده فرضیات پژوهش به شرح ذیل صورت بندی شدند: ۱- به نظر می رسد عوامل فرهنگی (ایدئولوژی، اعتقادات) عامل موثری در نابرابری آموزشی - جنسیتی شهر خاش است. ۲- میزان تحصیلات مادر عامل مهمی در ادامه تحصیل فرزندان محسوب می گردد. مطالعات انجام شده عموماً در رابطه با برخی از متغیرها همچون، سطح سواد، درآمد، ایدئولوژی، اشتغال یا عوامل دیگری است که این نابرابری را تحت تاثیر قرار می دهد. نتایج مطالعات انجام شده نشان می دهد که اولاً بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی در جامعه با افزایش میزان تحصیلات زنان در ارتباط است. ثانیاً وجود تبعیضات فرهنگی و به خصوص تفاوت های اجتماعی بین زن و مرد مانع جدی در افزایش سطح سواد زنان است و عامل توسعه الزاماً در بر دارنده رفع تبعیضات و موانع اجتماعی و فرهنگی است. (بامداد، ۱۳۷۷) عوامل مختلفی همچون درآمد خانواده، سطح تحصیلات پدر و بخصوص مادر خانواده، ایدئولوژی، فرهنگ، وجود امکانات آموزشی و تخصصی و حرفه ای، امکان کسب هویت و ... عوامل موثر در جهت ارتقای وضعیت زنان و تحقق عدالت اجتماعی است. دی. ال. شت ضمن تأکید بر متغیرهای درآمد، شغل، تحصیلات و مجموع شاخص های پایگاه اقتصادی و اجتماعی با

شهرنشینی، عضویت سازمانی مؤثر در میزان مشارکت سیاسی افراد گویای آن است که سواد یکی از متغیرهای بسیار قدرتمند و مؤثر بر میزان مشارکت است (پایبشرز و بارکان، ۱۹۹۹).

عبداللهی (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان «عوامل و موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان ایرانی»، زنان دارای خانواده‌هایی با خاستگاه اقتصادی اجتماعی بالاتر (تحصیلات و شغل) مشارکت مدنی بیشتری دارند.

صمدی‌راد (۱۳۸۵) در مقاله «مکانیسم‌های ارتقای مشارکت زنان در ابعاد سیاسی و اقتصادی» به متغیر تحصیلات به عنوان عمده‌ترین عامل زمینه‌ساز مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان پرداخته است. موحد (۱۳۸۲) در پژوهشی مشارکت سیاسی زنان را در رابطه با میزان تحصیلات، نظام قشر بندی و نوع شغل زنان بررسی کرده و توجه به موانع فرهنگی و اجتماعی و تلاش در جهت رفع آنها را مورد تأکید قرار داده است. نظریه‌های نابرابری جنسیتی: در بیشتر جوامع انسانی جنسیت که در واقع در بردارنده ویژگیهای فرهنگی، اجتماعی جنس پدیده ای زیستی - طبیعی است. پایه توزیع نابرابر امکانات، موقعیت‌ها، فرصت‌ها و پاداش‌ها قرار می‌گیرد. به طور کلی نابرابری جنسیتی عبارت است از: نابرابری زن و مرد در داشتن امکانات موجود. (ساروخانی، ۱۳۷۰).

هر گونه رفتار، سیاست، زبان و دیگر کنش‌هایی که نشان دهنده دیدگاه ثابت، فراگیر و نهادینه شده اعضای جامعه نسبت به زنان به عنوان موجوداتی فرودست باشد. به معنای نابرابری جنسیتی است. چهار مضمون شاخص نظریه‌های نابرابری جنسی می‌باشد. نخست آنکه زنان و مردان نه تنها موقعیت‌های متفاوتی در جامعه دارند بلکه در موقعیت‌های نابرابری قرار گرفته‌اند. زنان در مقایسه با مردانی که در همان جایگاه اجتماعی زنان جای دارند. از منافع مادی، منزلت اجتماعی، قدرت و فرصت‌های تحقق نفس کمتری برخوردارند. این جایگاه اجتماعی می‌تواند بر طبقه، نژاد، شغل، موقعیت، دین، آموزش و ملیت و یا هر عامل مهم اجتماعی دیگر مبتنی باشد. دوم آنکه این نابرابری از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد و از هیچ‌گونه تفاوت مهم زیست‌شناسی یا شخصیتی میان زنان و مردان ناشی نمی‌شود. سومین مضمون نظریه نابرابری این است که هر چند افراد انسانی ممکن است از نظر استعداد و ویژگی‌های شان با یکدیگر تا اندازه‌ای تفاوت داشته باشند، اما هیچ گونه الگوی توفیق طبیعی مهمی وجود ندارد که دو جنس را از هم متمایز سازد. نابرابری جنسیتی برای آن وجود دارد که زنان در مقایسه با مردان از قدرت کمتری برای برآوردن نیاز به تحقق نفس برخوردارند. در حالیکه هردو در این نیاز سهیمند. چهارم اینکه همه نظریه‌های نابرابری فرض را بر این می‌گیرند که هم مردان و هم زنان می‌توانند در برابر ساختار و موقعیت‌های اجتماعی برابره‌تر، واکنشی آسان و طبیعی از خود نشان دهند. به عبارت دیگر آنها بر این عقیده‌اند که دگرگون ساختن موقعیت زنان امکان‌پذیر است. (بشیریه، ۱۳۷۴).

فمینیسم و آموزش زنان: در این مقاله، سعی ما بر این است که آموزش و تحصیل زنان را، از منظر فمینیسم مورد بررسی قرار دهیم. آنچه مسلم است، همه جریان‌های فمینیستی از آموزش و تحصیل زنان دفاع می‌کنند. ولی نوع برخورد جریان‌ها با این مسئله و نوع برنامه‌ها، دفاعیات و راهکارهای پیشنهادی ایشان در این رابطه متفاوت است. تاریخ فمینیست شاهد بروز نوسانات خاصی در جریان‌ات دفاع از زن، در رابطه با آموزش و تحصیل زنان است که مانند موج درسالهای خاصی برخاسته و دوباره فروکش کرده، چندین سال بعداً سرعت دیگر و در جهت دیگری به حرکت در آمده است. در «کتاب حقانیت حقوق زن که در سال (۱۹۷۲) انتشار یافت، اصلی‌ترین علت فروتری زنان، محرومیت زنان از آموزش و تحصیل معرفی شده است. این کتاب نابرابری‌های میان مردان و زنان را نتیجه تفاوت طبیعی نمی‌داند، بلکه نتیجه محرومیت زنان از آموزش و تحصیل قلمداد می‌کند. ولی موج فمینیسم که از اوایل و نیمه دهه ۱۹۶۰ مطرح شد، برای دفاع از تحصیل و آموزش زنان، نظریه‌هایی در رابطه با بازسازی مفاهیم ارائه می‌دهد و علت محرومیت زنان از آموزش و تحصیل را این می‌داند که دانش موجود، از دید مردان به جهان نگریسته است. «مسلمان‌نوع جبهه‌گیری هریک از گرایش‌های پنجگانه (فمینیست‌های لیبرال، مارکسیسم، رادیکال، سوسیال و فمینیست‌های جدید) در برابر آموزش و تحصیل زنان از آبخور نظرات و آراء کلی و جهان بینی فلسفی این گرایش‌ها، تغذیه می‌شود. (مهدوی و خسروشاهی، ۱۳۸۲).

فمینیست‌های مارکسیسم: این دسته از فمینیست‌ها به نظرات اقتصادی خود بهای زیادی داده و همه چیز را از منظر فلسفه مارکسیستی می‌بینند، قهراً وقتی به مسئله آموزش و تحصیل زنان می‌رسند، این مسئله را نیز در آن جریان کلی تفسیر می‌کنند، یعنی اصول مبارزه برای دفاع از آموزش و تحصیل زنان را، تابعی از مبارزه طبقاتی می‌پندارند.

بنابراین گوشخراش‌ترین فریاد مارکسیست‌های فمینیسم، برای دفاع از حقوق زن، این است که آنها را از محیط خانه به کار عمومی جامعه منتقل کند تا با سرمایه‌داری و نظام بورژوازی بجنگند و برای آموزش زنان نیز برنامه‌هایی در این راستا ارائه می‌دهد. مسلماً لازمه کار عمومی برای تولیدات کلان، این است که آموزش عمومی یکسان برای زن و مرد با هدف تولید بیشتر و بهتر طراحی شود. در برنامه مارکسیستی برای هدف تولید اقتصاد بهتر، از همه مسائل جزئی، از جمله ویژگی‌های زنان، صرف نظر می‌کند. (مشیرزاده، ۱۳۸۲).

فمینیست‌های رادیکال: «فمینیست‌های افراطی رادیکال، که در اواخر دهه شصت بوجود آمدند بیش از هر چیز در این پدیده بر احساسات و روابط شخصی تکیه دارند. «فمینیست‌های رادیکال که نگرشی بسیار افراطی درباره فرهنگ مردسالاری دارند، موتور حرکت تاریخ را در «دیالکتیک جنسیت» می‌بینند. (یعنی در تلاش مردان برای تسلط بر زنان). از دیدگاه افراطی این فمینیست‌ها و چنین سطح تقابلی بین دو جنس مرد و زن می‌توان نتیجه گرفت که ریشه فرودستی زنان از نگاه آنها، نه تنها در مرحله وضع قوانین، بلکه در همه جوانب، ناشی از خوی سلطه‌جویی مردان می‌باشد. پس این گروه باید برای برنامه‌ها آموزش و تحصیل زنان اهدافی خاص قائل شوند. اهدافی که بیش از هر چیز مبارزه جنس زن با جنس مرد را تقویت نموده و برای زنان در دانش و آموزش و حتی استفاده از واژه‌های مؤنث در کتب درسی، برنامه‌ای طراحی نمایند که آموزش زنان را در تقابل با آموزش مردان قرار داده و قدرت مبارزه با مردان را در زنان زیاد کنند. (ریترز، ۱۳۷۴). اما «جریان سوسیال فمینیست هم که پس از دهه هفتاد شکل گرفت، متأثر از فمینیست رادیکال است» و این جریان همانقدر که نظام سرمایه‌داری را در تبعیض جایگاه آموزشی زن و مرد مؤثر می‌داند، به همان اندازه معتقد است نظام جنسیتی و خود طبیعت مردسالاری مردان نیز در این امر مقصرد. اما بر خلاف این چهار گروه از فمینیست‌های فرامردن که دارای دیدگاه‌های پست مدرنیسم می‌باشند. و معتقدند که زنان برای رهایی و برای بدست آوردن حق مساوی با مردان از جمله تساوی حقوق در جایگاه و شئون آموزشی باید بر فرامردن بدین اعتقاد هستند که، باید تعریفی جدید از «مردان» و «زنان» در همه کتب آموزشی ارائه کرد. البته این گروه بر خلاف فمینیست‌های رادیکال، معتقدند، که زن به همسر، فرزند و خانواده نیازمند است. بنابراین از نظر ایشان در اهداف و جایگاه آموزشی زنان باید نهاد خانواده را در نظر داشت. «حذف نمادهای جنسی از کتب درسی از جمله مواردی است که فمینیست‌های جدید و گروه‌های دیگر بر آن اصرار می‌ورزند و در سالهای اخیر بعضی از نشریات داخلی، بلندگوی نظریات فمینیست‌های جدید بودند.» (جاراللهی، ۱۳۷۵)

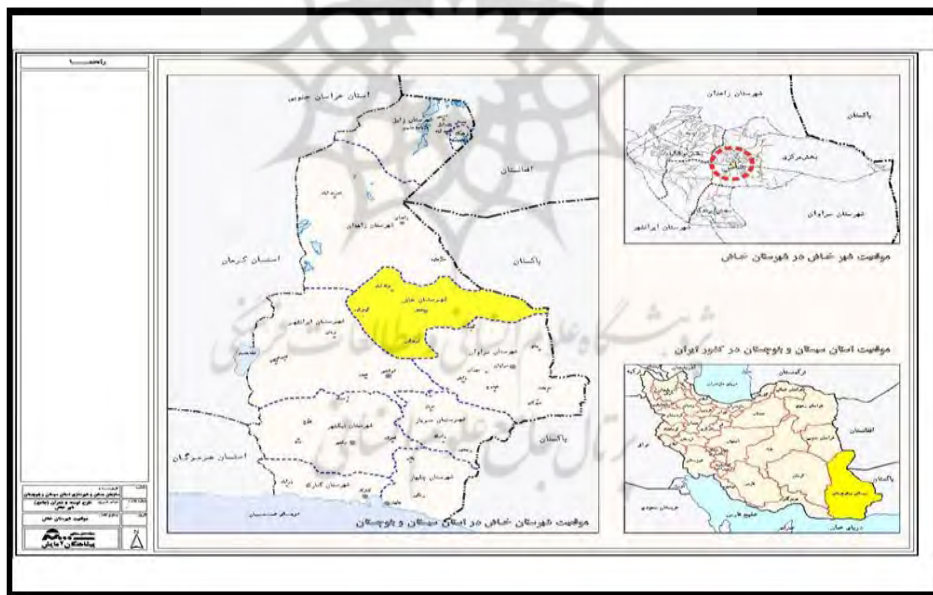
فمینیست‌های اسلامی: دستاوردهای فکری بعضی از روشنفکران دینی که بی‌حد و مرز و بدون اذن شریعت، مرزهای نسبی و تغییر در احکام را گسترده‌اند، دست‌آویز فمینیست‌های اسلامی شده است. هر چند که فقها و مجتهدین تحت ضوابطی که شریعت ارائه می‌دهد، می‌توانند بعضی از قوانین در باب مسائل زنان و از جمله امر تحصیل و آموزش زنان را بنا بر عناوین ثانویه، مصالح عامه و حکومتی تغییر داده و طبق مقتضیات زمان و مکان تفسیر کنند. ولی طرح نسبی‌گرایی فرهنگی بدون ضوابط شرع و اذن شارع به اشکال دیگری منجر به اسارت زن، خواهد شد. (بیسلی، ۱۳۸۵).

البته باید توجه داشت، هر کس که با دید اسلامی، از حق مسلم آموزش زن و مطالبات شرعی وی در زمینه تحصیل دفاع می‌کند، به عنوان فمینیست اسلامی متهم نشود. دفاعیات ضعیف فمینیست‌ها از آموزش و تحصیل زنان: دفاعیات فمینیست‌ها از آموزش و تحصیل زنان، متعالی و مستحکم نیست، چرا که اصل جهان‌بینی و فلسفه ایشان ضعیف است. وقتی دفاعیات فمینیست‌ها از آموزش و تحصیل زنان را با دفاعیات اسلام از این ارزش مقایسه کنیم، بلندی نگاه اسلام و کوتاهی منظر فمینیست‌ها در این باره مشخص می‌شود. به عنوان مثال؛ فمینیستی مثل «لوس ایریگاری» با سوء ظن به زبان فلسفه بسیار می‌نگرد و معتقد است اگر زنان در عرصه دانش فلسفه، نبوغ و درخشندگی خاصی از خود بجای نگذاشتند، فقط به این جهت بوده که فیلسوفان، زبان فلسفه را مردانه کرده‌اند. این فمینیست برای دفاع از زنان در داشتن فلسفه، مبارزه با زبان فلسفه را پیشنهاد می‌کند. (بامداد، ۱۳۷۵) در همین راستا و برای رسیدن به هدف فوق‌الذکر «ایریگاری» که یکی از فمینیست‌هاست پیشنهاد می‌دهد که باید با تأمل دوباره‌ای به سنت الهیات پرداخت. وی معتقد است: «باید برداشت مثبتی از مفهوم الهی (نامتناهی) بیابد تا مناسب زنان باشد،

چون خدای مسیحیت به عنوان نمونه، امر تخیلی مردانه، تجربه زنان را به عنوان منبع استناد حذف می کند. وی لازم می بیند که چهره ای بیابد که نمونه امر تخیلی زنانه باشد، خدای زن، خدایی است که بتواند به چندگانگی، تفاوت، سیالیت، موزونی و «شکوه بدن» به عبارت دیگر، به آن چیزهایی که در محدوده تجربه دینی مردسالارانه نمی توانند تصویری زنده داشته باشند، شکل دهد. «از طرف دیگر بعضی از مدافعان دفاع از حقوق زن، به علت عدم آگاهی از مبانی و نظرات بلند ادیان الهی تحریف نشده در خصوص ترویج علم و دانش برای زنان، در بعضی از مناطق، عوامل فرهنگی نظیر ادیان را مسبب عقب ماندن زنان در امر آموزش می دانند و برای پیشرفت آموزش و تحصیل زنان راه حل مبارزه با افکار دینی را پیشنهاد می دهند. (اکلشال و دیگران، ۱۳۸۵).

فمینیست های غیر متدین، درباره تأثیر اسلام در آموزش و تحصیل زنان، نظر گاهی بسیار غیر منصفانه دارند، ایشان عملکردهای ناروای بعضی از مسلمانان در محروم نمودن زنان و دختران از تحصیل را از نظرات متعالی اسلام در دفاع از آموزش و تحصیل زنان جدا نمی کنند از این رو بسیار ناجوانمردانه به منظور دفاع از حق آموزش و تحصیل زن، به پیکره دین و دیانت حمله می کنند. بعضی از فمینیست ها مسائلی نظیر حجاب و انفکاک زن و مرد را، از موانع تحصیل و آموزش زنان قلمداد می نمایند، در حالی که حجاب و انفکاک، خود از عواملی است که با ایجاد سلامت ذهن و روح افراد، بستر آموزش و تحصیل بیشتر و مناسب تر را فراهم می کند (احمدی، ۱۳۸۲).

معرفی اجمالی منطقه مورد مطالعه: موقعیت شهرستان خاش: شهرستان خاش با مساحت ۲۳۱۰۵ کیلومتر مربع در مرکز استان سیستان و بلوچستان قرار گرفته و فاصله مرکز شهرستان تا مرکز استان ۱۸۰ کیلومتر است. این شهرستان دارای تعداد ۲ مرکز شهری و ۳ بخش، ۱۱ دهستان و ۷۹۹ آبادی می باشد. جمعیت شهرخاش بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، برابر با ۵۷۲۹۸ نفر بوده است. شهرستان خاش دارای آب و هوای گرم و خشک می باشد. میانگین بارش سالانه در این شهرستان ۱۷۴/۹ میلی متر و متوسط دمای آن از ۷ درجه سانتیگراد الی ۳۷ درجه سانتیگراد در تغییر است.



شکل ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی شهر خاش

منبع: نگارندگان

روش

این تحقیق از نظر روش شناسی جز تحقیقات پیمایشی بود و به روش میدانی و اسنادی در شهر خاش انجام شد. به این منظور محقق ابتدا از پرسشنامه خودساخته با روش لیکرت بهره جست. در این راستا با استفاده از اسناد و اطلاعات موجود، مصاحبه، پرسشنامه و مشاهده میدانی، اطلاعات مورد نیاز جمع آوری شد. متغیر وابسته این تحقیق ساختار جنسیتی است و پس از تعیین متغیرهای مستقل آن شاخص هایی تهیه شد این مولفه ها عبارتند از: ایدئولوژی، اشتغال، درآمد، سطح

سواد، امکانات آموزشی و ارتباطات و... جامعه آماری پژوهش ۸۰ خانواده که دارای فرزندان دختر و پسر بوده اند به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. در قسمت آمار توصیفی از آزمون‌های میانگین، درصد، فراوانی، و در قسمت آمار استنباطی از آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی و تحلیل اطلاعات استفاده شد.

جدول ۱. توزیع فراوانی جنسیت و سوالات

فراوانی تجمعی	درصد	فراوانی
۴۸.۸	۴۸.۸	مرد ۳۹
۱۰۰.۰	۵۱.۳	زن ۴۱
	۱۰۰.۰	جمع ۸۰

منبع: نگارنده

یافته‌ها

نتایج توصیفی:

بررسی میزان تأثیر درآمد خانواده در ادامه تحصیل فرزندان:

نتایج بدست آمده از این پرسش «درآمد خانواده در ادامه تحصیل فرزندان در مقاطع بالاتر به چه میزان تأثیرگذار است»، حاکی از اینست که از مجموع ۸۰ پاسخ، ۵۶/۳ درصد کاملاً موافق، ۴۱/۳ درصد موافق، ۲/۵ درصد مخالف با تأثیر درآمد خانواده در ادامه تحصیل فرزندان بوده‌اند بنابراین درآمد خانواده می‌تواند تا حد بسیار زیادی در تحصیل فرزندان به خصوص دختران موثر واقع گردد.

جدول ۲. میزان تأثیر درآمد خانواده در ادامه تحصیل فرزندان در مقاطع بالاتر

فراوانی تجمعی	درصد	فراوانی	گزینه‌ها
۵۶.۳	۵۶.۳	۴۵	کاملاً موافق
۹۷.۵	۴۱.۳	۳۳	موافقم
۱۰۰.۰	۲.۵	۲	مخالف
	۱۰۰.۰	۸۰	جمع

منبع: نگارنده

بررسی تأثیر نوع شغل پدر در ادامه تحصیل فرزندان:

نتایج بدست آمده از پرسش «نوع شغل پدر در ادامه تحصیل فرزندان به چه اندازه می‌باشد» حاکی از اینست که از مجموع ۸۰ پاسخ ۵۰/۰ درصد کاملاً موافق، ۳۸/۸ درصد موافق، ۵/۰ درصد بی تفاوت، ۵/۰ درصد مخالف و ۱/۳ درصد کاملاً مخالف با تأثیر نوع شغل پدر در ادامه تحصیل فرزندان بوده‌اند بنابراین نوع شغل پدر می‌تواند تا حد بسیار زیادی در تحصیل فرزندان به خصوص دختران موثر واقع گردد.

جدول ۳. تأثیر نوع شغل پدر در ادامه تحصیل فرزندان

فراوانی تجمعی	درصد	فراوانی	گزینه‌ها
۵۰.۰	۵۰.۰	۴۰	کاملاً موافق
۸۸.۸	۳۸.۸	۳۱	موافقم
۹۳.۸	۵.۰	۴	بی تفاوت
۹۸.۸	۵.۰	۴	مخالف
۱۰۰.۰	۱.۳	۱	کاملاً مخالف
	۱۰۰.۰	۸۰	جمع

منبع: نگارندگان

بررسی تأثیر اشتغال بکار مادر در ادامه تحصیل فرزندان:

در ادامه پرسشی در رابطه با «تأثیر اشتغال بکار مادر در ادامه تحصیل فرزندان» مورد بررسی قرار گرفت که نتایج بدست آمده، حاکی از اینست که از مجموع ۸۰ پاسخ ۲۳/۸ درصد کاملاً موافق، ۴۸/۸ درصد موافق، ۸/۸ درصد بی تفاوت، ۱۱/۳ درصد مخالف و ۷/۵ درصد کاملاً مخالف با تأثیر اشتغال بکار مادر در ادامه تحصیل فرزندان بوده اند بنابراین اشتغال بکار مادر می تواند تا حد زیادی در تحصیل فرزندان به خصوص دختران موثر واقع گردد.

جدول ۴. تأثیر اشتغال بکار مادر در ادامه تحصیل فرزندان

گزینه ها	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
کاملاً موافق	۱۹	۲۳.۸	۲۳.۸
موافقم	۳۹	۴۸.۸	۷۲.۵
بی تفاوت	۷	۸.۸	۸۱.۳
مخالف	۹	۱۱.۳	۹۲.۵
کاملاً مخالف	۶	۷.۵	۱۰۰.۰
جمع	۸۰	۱۰۰.۰	

منبع: نگارندگان

بررسی تأثیر میزان تحصیلات پدر در تحصیل فرزندان:

نتایج بدست آمده از پرسش «میزان تأثیر تحصیلات پدر در تحصیل فرزندان» حاکی از اینست که از مجموع ۸۰ پاسخ ۳۸/۸ درصد کاملاً موافق، ۵۰/۰ درصد موافق، ۳/۸ درصد بی تفاوت، ۷/۵ درصد مخالف با میزان تحصیلات پدر در ادامه تحصیل فرزندان بوده اند بنابراین میزان تحصیلات پدر می تواند تا حد زیادی در تحصیل فرزندان به خصوص دختران موثر واقع گردد.

جدول ۵. تأثیر میزان تحصیلات پدر در تحصیل فرزندان

گزینه ها	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
کاملاً موافق	۳۱	۳۸.۸	۳۸.۸
موافقم	۴۰	۵۰.۰	۸۸.۸
بی تفاوت	۳	۳.۸	۹۲.۵
مخالف	۶	۷.۵	۱۰۰.۰
جمع	۸۰	۱۰۰.۰	

منبع: نگارندگان

بررسی تأثیر تحصیلات مادر بر تحصیل فرزندان:

سؤالی در رابطه با «تأثیر تحصیلات مادر بر تحصیل فرزندان» مورد بررسی قرار گرفت که نتایج بدست آمده، حاکی از اینست که از مجموع ۸۰ پاسخ ۵۰/۰ درصد کاملاً موافق، ۳۲/۵ درصد موافق، ۷/۵ درصد بی تفاوت، ۱۰/۰ درصد مخالف با تحصیلات مادر در ادامه تحصیل فرزندان بوده اند بنابراین میزان تحصیلات مادر می تواند تا حد بسیار زیادی در تحصیل فرزندان به خصوص دختران موثر واقع گردد.

جدول ۶. تأثیر تحصیلات مادر بر تحصیل فرزندان

گزینه ها	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
کاملاً موافق	۴۰	۵۰.۰	۵۰.۰
موافقم	۲۶	۳۲.۵	۸۲.۵
بی تفاوت	۶	۷.۵	۹۰.۰
مخالف	۸	۱۰.۰	۱۰۰.۰
جمع	۸۰	۱۰۰.۰	

منبع: نگارندگان

بررسی تأثیر تعداد فرزندان خانواده در میزان تحصیلات آنان:

نتایج بدست آمده از پرسش «تعداد فرزندان خانواده در میزان تحصیلات آنان به چه اندازه مؤثر می باشد»، حاکی از اینست که از مجموع ۸۰ پاسخ ۲۳/۸ درصد کاملاً موافق، ۴۱/۳ درصد موافق، ۲۵/۰ درصد بی تفاوت، ۸/۸ درصد مخالف و ۱/۳ درصد کاملاً مخالف با تاثیر تعداد فرزندان خانواده در ادامه تحصیل فرزندان بوده اند بنابراین تعداد فرزندان خانواده می تواند تا حد زیادی در تحصیل فرزندان به خصوص دختران مؤثر واقع گردد.

جدول ۷. تأثیر تعداد فرزندان خانواده در میزان تحصیلات آنان

گزینه ها	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
کاملاً موافق	۱۹	۲۳.۸	۲۳.۸
موافقم	۳۳	۴۱.۳	۶۵.۰
بی تفاوت	۲۰	۲۵.۰	۹۰.۰
مخالف	۷	۸.۸	۹۸.۸
کاملاً مخالف	۱	۱.۳	۱۰۰.۰
جمع	۸۰	۱۰۰.۰	

منبع: نگارندگان

بررسی نقش اطرافیان و خویشاوندان در ادامه تحصیل فرزندان:

نتایج بدست آمده در مورد سؤال «نقش اطرافیان و خویشاوندان در ادامه تحصیل فرزندان» نشان دهنده این مطلب است که از مجموع ۸۰ پاسخ ۳۱/۳ درصد کاملاً موافق، ۴۵/۰ درصد موافق، ۱۵/۰ درصد بی تفاوت، ۷/۵ درصد مخالف و ۱/۳ درصد کاملاً مخالف با تاثیر اطرافیان و خویشاوندان در ادامه تحصیل فرزندان بوده اند بنابراین اطرافیان و خویشاوندان می تواند تا حد زیادی در تحصیل فرزندان به خصوص دختران مؤثر واقع گردد.

جدول ۸. نقش اطرافیان و خویشاوندان در ادامه تحصیل فرزندان

گزینه ها	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
کاملاً موافق	۲۵	۳۱.۳	۳۱.۳
موافقم	۳۶	۴۵.۰	۷۶.۳
بی تفاوت	۱۲	۱۵.۰	۹۱.۳
مخالف	۶	۷.۵	۹۸.۸
کاملاً مخالف	۱	۱.۳	۱۰۰.۰
جمع	۸۰	۱۰۰.۰	

منبع: نگارنده

بررسی میزان تأثیر ازدواج در سنین پایین در جلوگیری از ادامه تحصیل فرزندان دختران:

نتایج بدست آمده از پرسش «میزان تأثیر ازدواج در سنین پایین در جلوگیری از ادامه تحصیل فرزندان دختران»، حاکی از اینست که از مجموع ۸۰ پاسخ ۴۳/۸ درصد کاملاً موافق، ۳۲/۵ درصد موافق، ۸/۸ درصد بی تفاوت، ۱۲/۵ درصد مخالف و ۲/۵ درصد کاملاً مخالف با تاثیر ازدواج در سنین پایین در جلوگیری از ادامه تحصیل فرزندان بوده اند بنابراین ازدواج در سنین پایین می تواند تا حد بسیار زیادی در تحصیل فرزندان به خصوص دختران مؤثر واقع گردد.

جدول ۹. میزان تأثیر ازدواج در سنین پایین در جلوگیری از ادامه تحصیل فرزندان دختران

گزینه ها	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
کاملاً موافق	۳۵	۴۳.۸	۴۳.۸
موافقم	۲۶	۳۲.۵	۷۶.۳
بی تفاوت	۷	۸.۸	۸۵.۰
مخالف	۱۰	۱۲.۵	۹۷.۵
کاملاً مخالف	۲	۲.۵	۱۰۰.۰
جمع	۸۰	۱۰۰.۰	

منبع: نگارندگان

بررسی میزان تأثیر دوری مسافت از مدرسه بر ادامه تحصیل فرزندان:

در ادامه پرسشی درباره «تأثیر دوری مسافت از مدرسه بر ادامه تحصیل فرزندان» مورد بررسی قرار گرفت، نتایج بدست آمده از این پرسش حاکی از اینست که از مجموع ۸۰ پاسخ ۴۰/۰ درصد کاملاً موافق، ۳۶/۳ درصد موافق، ۲/۵ درصد بی تفاوت، ۱۶/۳ درصد مخالف و ۵/۰ درصد کاملاً مخالف با دوری از مدرسه به عنوان عامل بازدارنده در ادامه تحصیل فرزندان به بوده اند بنابراین دوری از مدرسه به عنوان عامل بازدارنده می تواند تا حد بسیار زیادی در تحصیل فرزندان خصوص دختران موثر واقع گردد.

جدول ۱۰. میزان تأثیر دوری مسافت از مدرسه بر ادامه تحصیل فرزندان

گزینه ها	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
کاملاً موافق	۳۲	۴۰.۰	۴۰.۰
موافقم	۲۹	۳۶.۳	۷۶.۳
بی تفاوت	۲	۲.۵	۷۸.۸
مخالف	۱۳	۱۶.۳	۹۵.۰
کاملاً مخالف	۴	۵.۰	۱۰۰.۰
جمع	۸۰	۱۰۰.۰	

منبع: نگارندگان

بررسی نقش رسانه های جمعی مانند تلویزیون و رادیو و ... در تحصیل دختران:

نتایج بدست آمده از سؤال «نقش رسانه های جمعی مانند تلویزیون و رادیو و ... در تحصیل دختران به چه اندازه است» حاکی از اینست که از مجموع ۸۰ پاسخ ۸/۸ درصد کاملاً موافق، ۵۸/۸ درصد موافق، ۲۳/۸ درصد بی تفاوت، ۸/۸ درصد مخالف با تاثیر رسانه های جمعی مانند تلویزیون و رادیو و ... در ادامه تحصیل فرزندان بوده اند بنابراین رسانه های جمعی مانند تلویزیون و رادیو و ... می تواند تا حد زیادی در تحصیل فرزندان به خصوص دختران موثر واقع گردد.

جدول ۱۱. نقش رسانه های جمعی مانند تلویزیون و رادیو و ... در تحصیل دختران

گزینه ها	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
کاملاً موافق	۷	۸.۸	۸.۸
موافقم	۴۷	۵۸.۸	۶۷.۵
بی تفاوت	۱۹	۲۳.۸	۹۱.۳
مخالف	۷	۸.۸	۱۰۰.۰
جمع	۸۰	۱۰۰.۰	

منبع: نگارندگان

بررسی میزان تأثیر اعتقادات (دین، مذهب) جامعه در ادامه تحصیل دختران:

نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر گواه این مطلب است که از مجموع ۸۰ پاسخ ۲۷/۵ درصد کاملاً موافق، ۴۲/۵ درصد موافق، ۱۸/۸ درصد بی تفاوت، ۸/۸ درصد مخالف و ۲/۵ درصد کاملاً مخالف با تأثیر اعتقادات (دین، مذهب) جامعه در ادامه تحصیل فرزندان بوده اند بنابراین اعتقادات (دین، مذهب) جامعه می تواند تا حد زیادی در تحصیل فرزندان به خصوص دختران موثر واقع گردد.

جدول ۱۲. میزان تأثیر اعتقادات (دین، مذهب) جامعه در ادامه تحصیل دختران

گزینه ها	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
کاملاً موافق	۲۲	۲۷.۵	۲۷.۵
موافقم	۳۴	۴۲.۵	۷۰.۰
بی تفاوت	۱۵	۱۸.۸	۸۸.۸
مخالف	۷	۸.۸	۹۷.۵
کاملاً مخالف	۲	۲.۵	۱۰۰.۰
جمع	۸۰	۱۰۰.۰	

منبع: نگارندگان

نتایج استنباطی:

فرضیه اول: به نظر می‌رسد ایدئولوژی عامل موثری در نابرابری جنسیتی شهر خاش است. نتایج جداول فوق حاکی از این است که میانگین و انحراف معیار ایدئولوژی برابر با ۶/۴۱ و ۱/۹۵ می‌باشد. آماره‌های محاسبه شده برابر با $t = -11/84, df = 79, P < .0/01$ می‌باشد لذا تفاوت میانگین ایدئولوژی در نابرابری جنسیتی با نرم پرسشنامه (۹) به لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ایدئولوژی عامل موثری در نابرابری جنسیتی شهر خاش است.

جدول ۱۳. میزان تأثیر ایدئولوژی بر نابرابری جنسیتی شهر خاش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	Test value	T	درجه آزادی	سطح معناداری
ایدئولوژی	۸۰	۶/۴۱	۱/۹۵	۹	-۱۱/۸۴	۷۹	۰/۰۰۰

منبع: نگارندگان

فرضیه دوم: میزان تحصیلات مادر عامل مهم در ادامه تحصیل فرزندان محسوب می‌گردد. نتایج جداول فوق حاکی از این است که میانگین و انحراف معیار سواد مادر برابر با ۱/۷۷ و ۰/۹۶ می‌باشد. آماره‌های محاسبه شده برابر با $t = -11/32, df = 79, P < .0/01$ می‌باشد لذا تفاوت میانگین سواد مادر با نرم پرسشنامه (۳) به لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میزان تحصیلات مادر عامل مهم در ادامه تحصیل فرزندان محسوب می‌گردد.

جدول ۱۴. میزان تأثیر میزان تحصیلات مادر در ادامه تحصیل فرزندان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	Test value	T	درجه آزادی	سطح معناداری
سواد مادر	۸۰	۱/۷۷	۰/۹۶	۳	-۱۱/۳۲	۷۹	۰/۰۰۰

منبع: نگارندگان

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که ایدئولوژی و همچنین میزان تحصیلات مادر عامل مهمی در ادامه تحصیل فرزندان به خصوص فرزندان دختر است، در نتیجه عامل موثری بر نابرابری جنسیتی - آموزشی در شهر خاش محسوب می‌شود. در بررسی درمورد «درآمد خانواده در ادامه تحصیل فرزندان در مقاطع بالاتر به چه میزان تأثیرگذار است»، نتایج حاصله حاکی از اینست که از بیشتر پاسخ‌دهندگان (۵۶/۳ درصد) کاملاً موافق، (۴۱/۳ درصد) موافق با تأثیر درآمد خانواده در ادامه تحصیل فرزندان بوده‌اند همچنین در مورد «نوع شغل پدر در ادامه تحصیل فرزندان به چه اندازه می‌باشد» حاکی از مجموع ۸۰ پاسخ (۵۰ درصد) کاملاً موافق، (۳۸/۸ درصد) موافق با تأثیر نوع شغل پدر در ادامه تحصیل فرزندان بوده‌اند بنابراین نوع شغل پدر می‌تواند تا حد بسیار زیادی در تحصیل فرزندان به خصوص دختران موثر واقع گردد. درآمد پرسشی در رابطه با «تأثیر اشتغال بکار مادر در ادامه تحصیل فرزندان» مورد بررسی قرار گرفت که نتایج بدست آمده، حاکی از اینست که (۲۳/۸ درصد) پاسخگویان کاملاً موافق، (۴۸/۸ درصد) موافق با تأثیر اشتغال بکار مادر در ادامه تحصیل فرزندان بوده‌اند. همچنین عوامل دیگری مانند اشتغال و درآمد، امکانات آموزشی و ارتباطات و اعتقادات (دین، مذهب) جامعه، رسانه‌های جمعی و فاصله (بعدمسافت) از مدرسه و... نیز در این نابرابری موثرند. راهبردها: بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر و با توجه به نتایج حاصله پیشنهاداتی جهت بهبود وضعیت آموزشی دختران به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- ۱- اتخاذ سیاست‌های آموزشی متناسب توسط دولت‌ها برای بالا بردن فرهنگ آموزش در بین خانواده‌های سنتی.
- ۲- از بین بردن خشونت علیه زنان از طریق شناساندن ارزش‌ها و توانمندی‌های آنان در سطح جامعه.
- ۳- بهبود وضعیت آموزش زنان از برنامه ریزی صحیح و در سطح کلان.
- ۴- ترویج عقاید برابری جنسیتی - آموزشی از راه‌های مختلف مانند استفاده از رسانه‌ها، کتب درسی و غیر درسی و...

- ۵- ایجاد مکانیزم‌هایی برای مشارکت برابر زنان و نمایندگی برابر در همه سطوح فرایند های سیاسی و زندگی عامه در هر اجتماع و جامعه ای
- ۶- ارتقاء اجرا و عملکرد پتانسیل های زنان از طریق تحصیل ، توسعه مهارت‌ها، اشتغال ، دادن اهمیت به از بین بردن فقر ، بی سوادی و بیماریها در زنان
- ۷- از بین بردن همه فعالیت‌های تبعیضی علیه زنان ، کمک به زنان به درک حقوقشان شامل آنهایی که مربوط است به باروری و سلامت جسمی
- ۸- در پیش گرفتن راه‌های متناسب برای بالا بردن توانایی زنان جهت کسب درآمد فراتر از مشاغل سنتی ، کسب اقتصاد خود اتکا، و اطمینان دادن به زنان برای دستیابی برابر به بازار کار و سیستم های تامین اجتماعی
- ۹- از بین بردن اعمال خشونت آمیز توسط کار فرمایان علیه زنان

منابع

- احمدی ، حبیب. (۱۳۸۲). روانشناسی اجتماعی ، انتشارات دانشگاه شیراز.
- اکلشال، رابرت و دیگران. (۱۳۸۵). مقدمه ای بر ایدئولوژیهای سیاسی ، ترجمه: محمد قاندر- تهران: نشر مرکز. بامداد، شیدا. (۱۳۷۵). بررسی عوامل موثر بر میزان اشتغال زنان ، تهران سازمان برنامه و بودجه.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۴). جامعه شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی ، تهران نشر نی.
- بیسلی، کریس. (۱۳۸۵). چپستی فمینیسم، ترجمه : محمد رضا زمردی - تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- جاراللهی ، عذرا. (۱۳۷۵). فصلنامه علوم اجتماعی (شماره ۷ و ۸) دانشگاه علامه طباطبائی.
- ریتز، جورج. (۱۳۷۴). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، برگردان محسن ثلاثی ، تهران انتشارات علمی .
- ساروخانی ، باقر. (۱۳۷۰). فدایره المعارف علوم اجتماعی ، تهران کیهان.
- سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۵.
- صمدی‌راد، انور. (۱۳۸۵). «مکانیسم‌های ارتقاء مشارکت زنان در ابعاد سیاسی و اقتصادی» ، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲۱: ۹۹-۱۲۲.
- طرح توسعه و عمران تفصیلی شهرخاش ، جلد دوم، مهندسین مشاور پیشاهنگان آمایش مرداد ۱۳۸۸، سازمان مسکن و شهرسازی.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۸۷). زنان در عرصه عمومی (عوامل وموانع وراهبردهای مشارکت مدنی زنان ایرانی، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- مدیریت آموزش و پرورش شهر خاش.
- مشیرزاده ، حمیرا. (۱۳۸۲). از جنبش تا نظریه ی اجتماعی : تاریخ دو قرن فیمینیسم ، تهران، انتشارات شیرازه .
- مهدوی، محمد صادق وحبیب خسرو شاهی. (۱۳۸۴). بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده، مطالعات زنان ۲.
- موحد، مجید. (۱۳۸۲). «مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن» تهران، مجله علمی و پژوهشی زنان، ۳: ۲۸-۳.
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن. (۱۳۹۰). مرکز آمار ایران.
- Alsop, R., Fitzimons, A., K. Lennon. (2002). *Theorizing Gender*. USA: Blanck well. Publishers Inc. 1 Ed.
- Barkan, S. E. (1999), «Race, Issue Engagement and Political Participation», **Race and Society**, 1 (1): 63-76.
- Brooks, C., Bolzendahl, C. (2004). *The transformation of our gender role attitudes*. "Social Science Reserch 33:106-133.
- Donovan, j. (2001). *Feminist Theory*. New York: The Continuum International Publishing Group Inc.

Gender Attitude and its Impacts on Literacy (Case Study: Khash City)

Leila Jalal Abadi^{*}

Lily Ovaisi^۲

Abstract

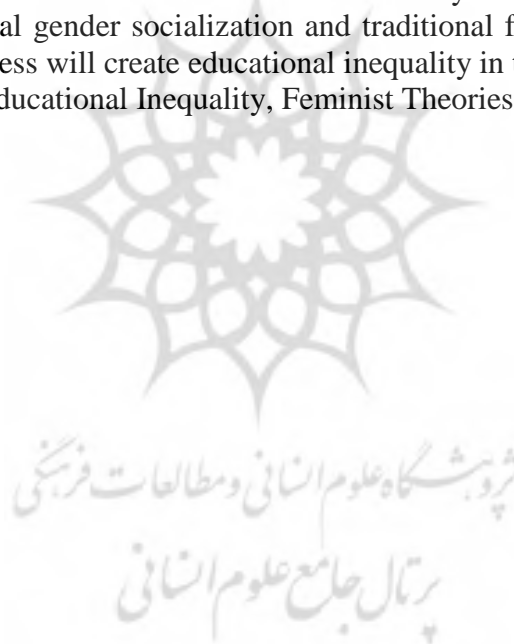
Purpose: The purpose of this study was to investigate some of the socio-economic and cultural factors affecting gender-educational inequality in Khash city.

Method: The statistical population of the study consisted of all parents with boys and girls, 80 of whom were randomly selected. Data were analyzed by SPSS software in two parts: descriptive statistics and inferential statistics. Descriptive statistics, mean, percentage, frequency, and inferential statistics were used to analyze the data.

Results: The results of the study show that: 1- The mean and standard deviation of ideology are 6.41 and 1.95. Therefore, the difference of mean ideology in gender inequality is statistically significant. Therefore, it can be concluded that cultural factors, ideology and marriage at an early age of girls are effective factors in gender-educational inequality in Khash city. 2. The mean and standard deviation of mother's literacy is 1.77 and 0.96, and as a result, maternal education is an important factor in girls' continuing education.

Conclusion: Economic factors such as income are directly related to gender-educational inequality, and parental gender socialization and traditional family-based thinking that girls' education is useless will create educational inequality in the region.

Keywords: Gender-Educational Inequality, Feminist Theories, Ideology, Khash City



¹ Lecturer of Bam Higher Education Complex and Ph.D. Student of Geography and Urban Planning, Payame Noor University of Tehran (Corresponding Author) Email: Leili_jalalabadi@yahoo.com

² Khash Education Secretary and Master of Geography and Urban Planning Zahedan Azad University. E-mail: leilioveisi@yahoo.com